

مدار جذب

تأثیر قانون جذب در روابط

ایسنر و جری هیکس

(آموزه‌ها - راهام)

مینا اعظمی

انتشارات صورتگر - سامینا

Hicks, Esther

هیکس، استر، ۱۹۴۸ - م.

مدار جذب: (تأثیر قانون جذب در روابط...) / نوشته ایستر، جری هیکس؛ ترجمه مینا اعظامی
تهران: انتشارات صورتگر، سامینا، ۱۳۹۶.

ص ۳۴۹

شابک: 978-600-5152-18-0

عنوان اصلی

The vortex: where the law of attraction assembles all cooperative relationships, 2009.

روابط بین اشخاص - جنبه‌های مذهبی - جنبه‌های روان‌شناسی

روح‌نگاری - زندگی معنوی

ش س ه افزوده: هیکس، جری - Hicks, Jerry

اعظامی، مینا، ۱۳۳۵ - مترجم

۱۳۵۴ ۶۰۹/۳۳ BL

۵۸/۲

۵۰۲۹۶۷۵

کتابخانه ملی ایران



انتشارات صورتگر

انتشارات صورتگر: تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۴۹؛ ۰۹۱۹۲۱۲۳۲۱۳

ناشر همکار: سامینا، تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۹۶۹۴۹

مدار جذب

(تأثیر قانون جذب در روابط)

نوشته: ایستر و جری هیکس

ترجمه: مینا اعظامی

ویراسته: گروه ویراستاری نشر

صفحه آرا: دریچه کتاب

لیتوگرافی: الوان

چاپ: فرشویه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷، تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر مخصوص انتشارات صورتگر و سامینا است

شابک: 978-600-5152-18-0 ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۵۲-۱۸-۰۰

فهرست

- ۱۵ پیش‌فتا، فیلم جری هیکس
- ۲۵ مقدمه مترجم
- ۲۹ بخش یک: مدار ما، و قانون جذب:
- ۲۹ یاد بگیرید رقم‌زندان را یاد را جذب کنید
- ۳۱ • یاد بگیرید رقم‌زندگان شاد را جذب کنید
- ۳۵ • زندگی از رابطه‌های ما تشدید می‌شود
- ۳۶ • نخست به هم‌ترازی دست یابید و آن دست به عمل بزنید
- ۳۸ • آیا ما تحت تأثیر فرض‌های نادرست زندگی می‌کنیم
- ۴۲ • با نگاهی به پشت‌سر، نمایی شفاف به دست آورید
- ۴۳ • پیش از تولدتان به این کالبد مادی
- ۴۴ • لحظه تولدتان
- ۴۵ • رابطه‌تان با پدر و مادر
- ۴۶ • رابطه‌تان با خواهر و برادرها
- ۵۰ • مدار ما، و قانون جذب
- ۵۶ • قانون قدرتمند، ابدی، و همگانی جذب
- ۵۹ • آیا دیگران را تحمل می‌کنیم، یا به آنان اجازه می‌دهیم؟
- ۶۲ • هنر در گشودن را یاد بگیرید
- ۶۵ • آیا از این قدرت برخورداریم که به جای مهار دیگران، بر آنان تأثیر بگذاریم؟
- ۶۷ • چگونه خانواده‌ای متنوع را هماهنگ می‌کنیم؟

- به فرزند. ۷۰
- به پدر و مادرها ۷۲
- به شما که می‌پرسید ۷۳
- آیا قانون جذب در انجام کارهای خانه مؤثر خواهد بود؟ ۷۴
- وقتی علایق مان دیگر تطبیق نمی‌یابند چطور؟ ۷۷
- اگر یکی از دو طرف تمایل به پایان یافتن رابطه نداشته باشد، چطور؟ ۷۹
- فرایند سی‌دقیقه‌ای هم‌ترازی انرژی ۸۱
- آیا انسان کاملی برای من وجود دارد؟ ۸۲
- چگونه کسی می‌تواند در کارش، شریکی بی‌نقص پیدا کند؟ ۸۶
- نه کسی برای حکومت کردن بیش از همه واجد شرایط است؟ ۸۸
- حکومت کدام یک چگونه است؟ ۹۱
- رابطه طبیعی ما با حیوانات چگونه است؟ ۹۱
- فرایند سه مرحله‌ای رهنمائی ۹۲
- آیا می‌توانیم بر حیوانات اثر بگذاریم، یا فقط می‌توانیم آن‌ها را مهار کنیم؟ ۹۴
- نظرتان درباره رابطه مطلوب ما با / غیرمادی انسان چیست؟ ۹۵
- اگر محل کار کسی احساس خوبی در آن ایجاد نکند چطور؟ ۹۸
- چگونه همه ما می‌توانیم «تمام و کامل در اختیار داشته باشیم»؟ ۱۰۱
- آیا تعهدات حقوقی خلاقیت را نابارور می‌سازند؟ ۱۰۳
- چه عاملی مشکلات درمانی مزمن را دائمی می‌کند؟ ۱۰۵
- بیشترین ارزشی که برای نیازمندان قائل هستیم چیست؟ ۱۰۶
- چرا برخی پیوسته رابطه‌های محنت‌زا را جذب می‌کنند؟ ۱۰۹
- آیا برخی تحت نفوذ دوران خردسالی‌شان هستند؟ ۱۱۰
- فرزند دردسرزا، موهبتی است در جامه مبدل! ۱۱۲
- چگونه کسی می‌تواند از ناهماهنگی به هماهنگی تغییر کند؟ ۱۱۴
- آیا دوران خردسالی منفی به بزرگسالی منفی محتوم است؟ ۱۱۶
- شماتت درد و رنج گذشته، درد و رنج جاری را بزرگ می‌نماید ۱۱۸
- چه هنگام «حل و فصل مشکلات» فقط بر مشکلات می‌افزاید؟ ۱۲۰

- ۱۲۱ ابراهام، از عشق و مهر برای مان سخن بگو
- ۱۲۲ چه هنگام وقت دست کشیدن از تلاش و کوشش است؟
- ۱۲۷ بخش دو: همسریابی، و قانون جذب:
- ۱۲۷ همسری بی نقص - یافتن، یکی شدن، جذب فرد دلخواه
- ۱۲۹ چرا هنوز همسرم را جذب نکرده‌ام؟
- ۱۳۰ من بر آنچه که در رابطه‌ای می‌خواهم تمرکز خواهم کرد.
- ۱۳۶ آیا رابطه‌ای را به تنگ بسیاری را مشاهده نکرده‌اید؟
- ۱۳۷ اگر رابطه‌ای من دوام نیابد چه می‌شود؟
- ۱۴۰ چرا ارتباط با ابراهام بسیار درست است؟
- ۱۴۴ آیا یار غار نباید سر زده داشته باشد؟
- ۱۴۵ چیزی مهم‌تر از احساس خوب نیست
- ۱۴۷ او کسی را می‌خواهد، اما این سس نه
- ۱۴۹ رابطه‌ها، و فهرست فرایند جنبه‌های مثبت
- ۱۵۰ من بر اثر خاصیت ارتعاشم، جذب می‌کنم
- ۱۵۲ وقتی دیگران برای مان همسر انتخاب می‌کنند رابطه؟
- ۱۵۴ یافتن، فراخواندن، یا همسری بی نقص بودن
- ۱۵۵ همسر خواهی، یا به همسر نیاز داشتن
- ۱۵۶ آیا راهی وجود دارد که در میان افراد «آکنده از فقدان» مثبت باشد؟
- ۱۵۸ تمرین مختصر هنگام خواب که رابطه‌ها را تغییر می‌دهد
- ۱۵۸ انتظار من از یک رابطه چیست؟
- ۱۶۰ خصوصیت‌های دلخواه همسر کامل چیست؟
- ۱۶۲ آیا قوانین طبیعت بر جفت شدن ما حاکم نیستند؟
- ۱۶۴ برای جفت شدن انسان‌ها چه چیزهایی طبیعی است؟
- ۱۶۷ آیا برخورداری از احساس خوب، کسانی با حال خوش را جذب می‌کند؟

- آیا کسی نمی‌توانست همسر بی‌نقص من شود؟ ۱۶۸

بخش سه: تمایلات جنسی و قانون جذب: ۱۷۱

تمایلات جنسی، حس‌گرایی، و نظرات دیگران ۱۷۱

- عناوین از این قرارداد: رابطه جنسی، تمایلات جنسی، و حس‌گرایی ۱۷۳
- آیا ابعاد غیرمادی قوانین جنسی ما را تعیین می‌کنند؟ ۱۷۹
- تمایلات جنسی تحت تأثیر تکناه‌هاست نه قوانین ۱۸۰
- اگر انسان‌ها در روابط جنسی، مانند حیوانات وحشی رفتار می‌کردند، چطور؟ ۱۸۳
- رقتی بنامع فسادیت جنسی را تأیید نمی‌کند، چطور؟ ۱۸۴
- چه کسی سلسله مراتب جنسی انسان‌ها را تنظیم می‌کند؟ ۱۸۹
- چگونه می‌توانیم مشارکت جنسی‌مان را متناسب کنیم؟ ۱۹۲
- ترس از رابطه جنسی حواس‌اندی این ارتباط را مخدوش می‌کند ۱۹۵
- همیشه می‌توانیم آغاز نر شده باشیم ۱۹۹
- چگونه کسی بسامد تمایلات جنسی خود را دوباره به‌دست می‌آورد؟ ۲۰۰
- رابطه جنسی، آیین‌ها، و محبوسان بیمارستان روانی؟ ۲۰۳
- چرا مردم واژگان مقدس و جنسی را، بی‌هوشانه، به‌کار می‌برند؟ ۲۰۴
- چرا خبررسان‌ها درد را پخش می‌کنند، اما لذت را حذف؟ ۲۰۵
- تک‌همسری: طبیعی است یا غیرطبیعی؟ ۲۰۷
- رابطه جنسی، هنر، آیین، و تک‌همسری ۲۰۹
- تجربه غایی حسی/جنسی چیست؟ ۲۱۱
- هر تجربه‌ای متفاوت بود اما بهتر نبود ۲۱۴
- برخی پیمان‌هایی که ابراهام برای «با هم همراه شدن» توصیه می‌کند ۲۱۷

بخش چهار: پدر و مادر بودن، و قوانین جذب: ۲۲۱

ایجاد روابط مثبت میان پدر و مادر و فرزند در جهانی از تضادها ۲۲۱

- نقش نظارت‌کننده بزرگسال در رفتار فرزند چیست؟ ۲۲۳

- رابطه خردسال با دیگر خردسالان، بدون حضور بزرگسالان چگونه است؟ ۲۲۵
- نقش‌های طبیعی پدر/ مادر چیست؟ ۲۲۶
- دورنمای پدر یا مادر کامل ۲۲۷
- وجودهای درونی ارثی پدرومادرها و فرزندان چیست؟ ۲۳۱
- آیا خانواده‌ها پیش از تولد اهداف متقابل خاص دارند؟ ۲۳۲
- مادر نسبت به چه کسی بیشترین مسئولیت را داریم؟ ۲۳۳
- پدرومادرها از فرزندان چه می‌آموزند؟ ۲۳۳
- چرا خواهر و برادرها به تأثیرات مشابه واکنشی متفاوت نشان می‌دهند؟ ۲۳۴
- آیا فرزندی که به پدر و مادر «شبهه» باشد؟ ۲۳۶
- آیا خصوصیات وراثتی باید رویدادهای آینده را تعیین کنند؟ ۲۳۷
- آیا نباید فرزند را از پدر و مادر سوءاستفاده‌گر گرفت؟ ۲۳۸
- آیا فرزندان کارهای خانه را بدین تادیب انجام خواهند داد؟ ۲۴۱
- آیا «هماهنگی خانواده» باید مانع آزادی فردی شود؟ ۲۴۲
- کدام عضو خانواده باید مسئول باشد؟ ۲۴۴
- پدرومادر و فرزندان، و هماهنگی در برابر آسیب‌رسانی ۲۴۵
- آیا فرزند باید تحت تأثیر باورهای پدرومادر قرار گیرد؟ ۲۴۷
- چه کسی مسبب خانواده نابه‌سامان است؟ ۲۴۹
- نوزاد چگونه رویداد ناخواسته را «جذب» می‌کند؟ ۲۵۲
- چرا برخی از بچه‌ها با اختلال اوتیستیکی متولد می‌شوند؟ ۲۵۴
- بخش پنج: تقدیر از خود، و قانون جذب: ۲۵۷
- قدردانی، کلید «جادویی» رسیدن به مدار است ۲۵۷
- قدردانی، کلید رسیدن به مدار ۲۵۹
- چرا کسی اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد؟ ۲۶۵
- نخستین گام برای تقدیر از خود چیست؟ ۲۶۸

- چگونه قانون جذب بر رقابت تأثیر می‌گذارد؟ ۲۶۹
- مقایسه نامطلوب خود با دیگران چگونه است؟ ۲۷۰
- اگر از بحران مالی جهانی بترسیم، چطور؟ ۲۷۱
- خودخواهی و قانون جذب؟ ۲۷۵
- آیا باید از طریق هدف‌های دیگران هدایت شویم؟ ۲۷۶
- چگونه می‌توانم نسبت به خود قدران‌تر باشم؟ ۲۷۷
- هدف من برای زندگی چیست؟ ۲۷۹
- فرایندهایی برای رسیدن به درون مدار ۲۸۰
- فرایند تجسس، سازی هنگام خواب ۲۸۱
- وقتی بیدار می‌شوید ۲۸۲
- فرایند سه‌گانه چرخش ۲۸۲
- فهرست فرایندها - به‌همه مثبت ۲۸۷
- فرایند فوران قدر دان ۲۸۸
- از درون مدار، زندگی چگونه است؟ ۲۸۹
- بخش شش: متن برنامه زنده ابراهام ۲۹۳
- کارگاه قانون جذب ۲۹۳
- آیا وقتی نوزاد بودید، با منفی‌نگری تربیت شد؟ ۲۹۵
- دنیای شما با قانون جذب مدیریت می‌شود ۲۹۸
- آیا دوست‌تان شما را به‌سوی گسترش یافتن پرتاب می‌کند؟ ۳۰۱
- تمام اجزای مشارکتی گرد می‌آیند ۳۰۶
- ورود به مدار قدرتمند جذب ۳۰۸
- درواقع تناقض اشتباه کردن نیست ۳۱۱
- آیا برای تلاقی با مدارتان آماده‌اید؟ ۳۱۳
- قانون جذب و ساختارهای قانونی ۳۱۷
- آیا خردسال نیز باید به بهزیستی‌اش دست پیدا کند؟ ۳۲۵

۳۳۳

• آیا انتظارات ویژه دوستداران و عاشقان وجود دارد؟

۳۴۰

• اشویل، کارولینای شمالی، یکشنبه خودمانی

۳۴۱

فرض‌های نادرست

۳۴۵

درباره نویسندگان

www.ketab.ir



پیشگفتار

به قلم جری هیکس

اکنون قرار است از منصری متفاوت، شاید متفاوت‌تر از آنچه پیش‌تر توجه کرده‌اید، به موضوع روابط بپردازیم. آروزی می‌کنیم که در این کتاب آمده، به جنبه‌هایی از رابطه‌های ما می‌پردازد که گسترده‌تر و بنیادی‌تر از «امنیت‌اند - یعنی بیش از اینکه دختری عاشق با سری آزادمنش آشنا شود؛ عاشق هم شوند؛ با هم همراه شوند، با هم کار کنند تا پول به دست آورند و برای هزینه‌های‌شان صرف کنند؛ (در بیشتر موارد فرزندان نیز داشته باشند؛ به کار تمام‌وقت ادامه دهند و گاهی تفریح کنند؛ معمولاً بکوشند فرزندان‌شان را چنان تربیت کنند که با فرهنگ غربی و متشخص، الگوهای اجتماعی اصطلاحات درست سیاسی، رفاری، و اعتقادی... جور باشند (تناسب یابند). چنانچه مدتی طولانی با هم زندگی کنند، از کار تمام‌وقت بازنشسته شوند - با این امید که یکسره تفریح کنند - و سپس... انتقال یابند؟»

هرچند به‌طور حتم پرسش‌ها و پاسخ‌های این کتاب شما را به درکی عمیق‌تر و مفیدتر از این نوع رابطه‌های خانوادگی هدایت می‌کند، هدف

ما در اینجا این است که از عمق و گستردگی واقعی شبکه وسیع روابط، که پیوسته و روزمره بر مدار نوسانی بهزیستی ذاتی‌تان تأثیر می‌گذارد، آگاهی بیشتری به شما بدهیم.

در مرکز آموزه‌های ابراهام (کتاب مقدس ابراهیمی یا رئیس جمهور مد نظر نیست) مفهومی عمیق وجود دارد: *اساس زندگی آزادی است؛ نتیجه زندگی گسترش است - و هدف زندگی شادی است.*

بنابراین، وقتی مطالب این کتاب را در سراسر زندگی‌ای که پیش از این آگاهانه آن را گذرانده‌اید به کار می‌بندید، نیروی این آموزه‌ها را به صورت مستقیم و صراحت و شفافیت احساس خواهید کرد، زیرا مفاهیمی را آشکار می‌کنید که به واسطه آن می‌توانید عامدانه‌تر رابطه‌هایی را که می‌تان به‌ترین است، رقم بزنید. به زبان ساده: با توجه به هر رابطه‌ای که اکنون در آن به سر می‌برید، یا دوست دارید در آن باشید، و با آن پیوند بیابید. آموزه‌های ابراهام را به شما توصیه می‌کنیم تا هدایت‌تان کند برای آنچه که می‌خواهید بیشتر، و آنچه که نمی‌خواهید کمتر در بگشایید.

این سومین کتاب از مجموعه چهار کتاب قانون جذب است. کتاب نخست، *قانون جذب: مبانی آموزه‌های ابراهام*، حسین علی‌زاده در سال ۲۰۰۶ در قالب کتاب منتشر شد؛ و بسیار سریع کتاب دوم، *قانون جذب ۱*، که در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های نیویورک تایمز جای گرفت^۱، در سال ۲۰۰۸ منتشر شد؛ و آن‌گاه *معنویت و قانون جذب*، در سال ۲۰۱۱ که آخرین کتاب از این مجموعه است.

۱. این کتاب به همین قلم، و به همت انتشارات صورتگر و سامینا به بازار نشر راه یافت. - م.
۲. بخوانید و به شما داده می‌شود، نخستین کتاب پرفروش ما (ایستر و جری هیکس) در آمازون، در سال ۲۰۰۴ منتشر شد؛ و پس از آن مجموعه کتاب‌های ابراهام هیکس (که همگی در انتشارات هی‌هاوس انتشار یافتند) به سرعت در زمره کتاب‌های پرفروش نیویورک تایمز ←

کمی بعد، این نظریه نخستین کتاب مجموعه قانون جذب را تشکیل داد، که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد و بخشی از دو عنوان ویژه آلبوم‌های صوتی بود. این بیست نوار اصلی، استنباط‌های عملی رابطه‌های میان قانون همگانی جذب و امور مالی، شغلی، وضعیت جسمانی، روابط... را برای شنوندگانش فراهم کرد. صدها پرسش ما و پاسخ‌های متعاقب ابراهام در بیست موضوع کاربردی گردآوری شده بود، در نتیجه مردم می‌توانستند یاد بگیرند که هرچه بیشتر به سعادت و بهزیستی ذاتی‌شان اجازه ورود دهند.

در سال ۲۰۰۰ هنگامی که نخستین همایش دریایی قانون جذب را برگزار می‌کردیم، سرید بنده، قائم‌مقام تلویزیونی استرالیا، راندا برن^۱ نزدما آمد و خواست که به او اجازه همایش از آموزه‌های ابراهام، مجموعه تلویزیونی تهیه کند. در نتیجه قرار شد توافق‌نامه‌مان، او افراد مربوط به تهیه فیلم استرالیایی خود را سوار کشتی قانون جذب آلاسکا ۲۰۰۵ ما کرد و از مفاد همایش، چهارده ساعت فیلم تهیه کرد. در نتیجه، در سال ۲۰۰۶، نظریه اصلی آلبوم ۱۹۸۸ ما - قانون جذب - به عنوان اساس متن اصلی فیلم بی‌اندازه موفق و بعدتر کتاب راز به کار رفت.

من و ایستر در نسخه ویرایش‌شده فیلم راز نیستیم، اما نقطه در نسخه اصلی آن وجود داریم. اما در فاصله توزیع شایان نسخه اصلی و توزیع

→ جا گرفت: قدرت اعجاز انگیز تصمیم‌هایمان، ۲۰۰۵؛ قانون جذب، ۲۰۰۶؛ قدرت اعجاز انگیز احساسات، ۲۰۰۷؛ و آن‌گاه در اوت ۲۰۰۸، پول و قانون جذب: مکتب، تندرستی، و شادمانی را جذب کنید نخستین مجموعه کتاب‌های ابراهام بود که به سرعت در فهرست کتاب‌های پرفروش نیویورک تایمز قرار گرفت.

[کتاب‌های بخواهید و به شما داده می‌شود؛ قدرت اعجاز انگیز احساسات نیز به همین قلم و به همت انتشارات صورتگر به چاپ‌های متعدد رسیده است. - م.]

متعارف نسخه «گسترش یافته» و اصلاح شده، فیلم راز در انتشار جهانی آموزه‌های ابراهام در مورد قانون همگانی جذب، تکان و انگیزه قدرتمندی ایجاد کرد. ما نیز بسیار قدردان راندا هستیم که رؤیایش، شناساندن مفاهیم قانون جذب ابراهام به مردمان جهان را محقق کرد - زیرا در انجام این کار، او به تدریج، در اذهان میلیون‌ها بیننده‌ای که اکنون اعتقاد دارند از این قدرت بهره‌مندند که به زندگی خوشایندتری دست یابند... باوری را ارائه کرده، و درخواستی را فراخوانده است. بدین ترتیب، اکنون آنان درخواست می‌کنند. (و ابراهام به ما آموزش می‌دهد که «خواستن» نخستین مرحله فرایند رقم زدن است) وقتی آنان درخواست کرده‌اند، درخواست‌شان به ایشان عطا خواهد شد... مرحله بعد این است که یاد بگیریم برای دریافت آنچه آنان داده‌اند، در بگشاییم.

اگر پیش از یافتن این کتاب نیز حال خوبی داشتید، با به کار بردن این اصول، زندگی‌تان بنا به تصمیم‌هایمانده و خودخواسته، به سمتی گرایش می‌یابد که به شما اجازه می‌دهد در حالی هنوز بهتر بیابید، با وجود این، اگر در این لحظه حس و حالی کمتر از خوب دارید - یا حتی می‌پندارید زندگی‌تان بهتر از این نمی‌تواند باشد - باز هم می‌توانید نظراتی را که در این کتاب مطرح شده، و به شما امکان می‌دهد زندگی‌تان به تدریج بهبود یابد... بیاموزید. یا می‌توانید یکی از افراد نادری باشید که از آنچه در این کتاب می‌خوانید، تغییری اساسی در وجودتان بیابید، نه به وعده شما را از احساس بی‌قدرتی دیرینه، به شادمانی بلندمدت و سرزندگی و سبزی می‌کشاند که البته با سعادت و نیکبختی طبیعی‌تان هم‌تراز است. وقتی به آن مقطع برسید، احساس می‌کنید همچون آهنربایی هستید که هر چیزی - و هر رابطه‌ای - را که با آن هماهنگی ارتعاشی دارید، به سمت خود جذب می‌کنید.

من گفته‌ام اگر از کتاب، سخنرانی، یا دیدار با کسی نظریه‌ای مفید و کاربردی دریافت کنم، ارزش آن را دارد که وقت یا پول، یا هر دو را برای آن صرف کنم، زیرا نظریه‌ای تازه می‌تواند افکار و آنگاه زندگی‌ام را تغییر دهد. برای مثال، دوستی در سال ۱۹۷۰ به من گفت: «جری، تو هرگز به توفیقی که می‌گویی می‌خواهی دست نمی‌یابی.»

از او پرسیدم: «چرا نمی‌یابم؟»

پس پاسخ داد: «چون از مردمان موفق انتقاد می‌کنی.»

گفتم: «درست است علتش این است که آنان دروغ می‌گویند، تقلب می‌کنند، و دزدی می‌کنند.»

دوستم به من گفت: «می‌توانی منتقد دروغ‌گویی، تقلب، و دزدی‌شان باشی، اما توازن توفیق‌شان در دروغ‌گویی، تقلب، و دزدی انتقاد می‌کنی. تو نمی‌توانی منتقد موفقیتی، توفیق‌شان، و توفیق عظیم نصیب شود!»

چنین چیزی بود! فقط یک نظر به یک دیدگاه متفاوت، در همان سی‌وهشت سال پیش، که موجب شد بی‌درنگ دست به‌عمل بزنم، و از تمام چیزهایی که بیشتر افراد آن را رویدادهای «مردمان» می‌خوانند، موج بزرگی به‌وجود آورد، و مرا به‌سوی شادمانی، روی داد - تا جوهره هرچه را که تاکنون می‌خواستم باشم، انجام دهم، یا دستم به شمشیر دریابم. هدف ما این است که شما نیز نظریه‌هایی را از این کتاب دریافت کنید که الهام‌بخش الگوهای جدید فکری در درون‌تان باشد و هرچه را که می‌خواهید باشید، انجام دهید، یا داشته باشید، به بیشترین مقدار به‌سوی تان روان کند.

در کتاب روابط، ابراهام^۱ انوار دورنمای گسترده‌شان را متمرکز می‌کند تا گستره پهنای از فرض‌های نادرست را که به رابطه‌های گوناگون ما

۱. ابراهام، آگاهی گروهی است، بنابراین جمع به‌کار می‌رود - م.

مربوطاند (و بیشتر ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم) آشکار کند. وقتی به بخش‌های فرض نادرست (نسبت به قانون طبیعی کائنات، «نادرست») برمی‌خورید، اگر نظرات ابراهام را به وقایع زندگی شخصی‌تان (که تنها برای شما آشناست) بیفزایید، و اگر موقعیت رشد را در زندگی دریابید، فرصت تغییر زندگی را خواهید یافت - درست هم‌اینک، از هر مقداری که خوب است، به‌سوی آنچه که برای‌تان اتفاقی با احساس خوشایندتر تلقی می‌شود، حرکت کنید.

توجه من را به چند نمونه از فرض‌های نادرست جلب می‌کنم که سال‌ها در نحوه عملکردم اثر گذاشتند. ببینید این باورهای «کذب» چگونه موجب خرابی آخرسندی وافر من شدند، اما مهم‌تر این است که چگونه با تغییری ساده در دیدگاهم، به‌سرعت موجب تغییری مثبت و مهم در زندگی‌ام شدم:

مادرم از ابتدای امر روحیه‌ای به‌شدت مخالف داشت. من نیز مخالفی سرسخت و یکدنده بودم. مادرم بیش از سی‌سال، حتی گاه کاملاً خشونت‌آمیز تلاش کرد مرا وادار کند طق خواسته او رفتار کنم. هربار به دیدنش می‌رفتم، می‌کوشیدم به‌شدت و بدانداد او را وادار کنم با من مطابق خواسته من رفتار کند. همچنین همیشه در انتظار نیز از ناهماهنگی آشکارش کمی دستپاچه (اما درضمن عرو بودم).

بنابراین، بیش از سی‌سال، هربار، وقتی با هم همراه می‌شدیم، می‌جنگیدیم! اما پس از آن، درست بعد از درگذشت پدرم، فرض جدیدی را پذیرفتم - و برایم نظریه‌ای بی‌عیب و نقص شد: فرضی «نادرست» را که هریک از ما دو نفر طی آن سال‌های پردردسر اجرا می‌کردیم این بود: «اگر من سخت بکوشم، می‌توانم یکدندگی ذاتی‌ام را پیش ببرم (و چگونه این نظریه کارایی یافت؟ واضح است، کارایی نیافت!) وقتی فرضیه جدیدی را پذیرفتم: «چون نمی‌توانم بر مادرم تسلط یابم - و

مادرم نیز نمی‌تواند بر من مسلط شود - پس کافی است همان من خوشایند و تسلط‌نیافتنی‌ای باشم که هستم؛ و / اجازه دهم مادرم نیز مادر تسلط‌نیافتنی من باشد... و از آنجا که خصوصیات مادرم برای بیگانگان تفریح است (به جای اینکه دافع باشد)، من نیز می‌کوشم در تفاوت‌هایش نکات سرگرم‌کننده بیابم...» و از آن پس بسیار شادمانه زیستیم.

بعد از بین از سی سال آسیب‌زدن، خویشتن‌داری، جنگ و دعوا... من تصمیم گرفتم فرضیه جدیدی را پیش گیرم (از / و درخواست نکردم تغییر کند)؛ و رای پهل ما آینده، هرگز با همدیگر در نیفتادیم! اگر چنین اتفاقی برای من هم افتاد، به احتمال زیاد چنین چیزی را میسر نمی‌پنداشتم - اما این اتفاق افتاد.

این پیشگفتار را با «فرض» شخصی دیگری به پایان می‌رسانم: فرضیه «و فور»، به باور کسانی که در گذشته با آنان ارتباط داشتم این بود، کسانی از ما که در تنگدستی زندگی می‌کنیم، همیشه قادریم از سوراخ سوزن رد شویم، اما اگر اشتباه کنیم و دیگر نماند، چنان چاق می‌شویم که حتی نمی‌توانیم از دروازه رد شویم. چیزی شبیه به آن - این حکایتی بود که در خردسالی به ما می‌آموختند. فرض دیگری که جامعه من با آن می‌زیست، چنین بود: «پولدارها با پول از ما مردم فقیر، (یا به نوعی دور از دسترس نگه داشتن آن) پول برتر می‌شوند.» برای مثال، بر مبنای این فرض، اگر فردی ثروتمند خودرویی محال می‌خرید، در آن صورت، پول یا تجمّل کمتری برای ما مردمان فقیر که خودروی دست دوم و اقتصادی به کار می‌بردیم، باقی می‌گذاشت. بنابراین، من در نتیجه عملکردهایم بر مبنای فرض نادرست، نمی‌توانستم با فقیر کردن دیگران، خودرویی تجملی برای خودم بخرم.